

مدیریت جدید



یک خانواده امروزی زاپنی به هنگام صرف غذا.

خانواده سنتی ژاپن، که در عین وفاداری به اصول خویشاوندی، پایبند وابستگیهای اقتصادی نیز هست، در دوران معاصر دگرگونیهای را می‌آزماید که سیل آسارخ می‌دهند. اعضای این خانواده به استقلال بیشتری دست یافته‌اند... اما به چه قیمتی؟

شکل سنتی خانواده ژاپنی را با کلمه ایه مشخص می‌کنند، و این لفظ بر مفهوم اصیلی دلالت می‌کند که نه تنها ساختار خانواده، بلکه قیودی که اعضای آن را با یکدیگر یگانه می‌کند و نیز دارایهای خانواده و فعالیتهای مربوط به آن را در برمی‌گیرد. در بیشتر موارد، این واحد بنیادین خانواده متشکل است از یک پسر - معمولاً پسر ارشد که پس از ازدواج با پدر و مادر خود زندگی می‌کند - فرزندان، و برادران و خواهران بی‌همسرش. اما ایه اجداد از جهان رفته و اولاد به جهان نیامده را نیز شامل است. تداوم خانواده عمدتاً بستگی دارد به زیربنای مادی خانواده که پایگاه اجتماعی و شیوه زندگی اعضای آن را تضمین می‌کند. از آن جا که بقای خانواده ژاپنی با ادامه فعالیتهای اعضای آن رابطه‌ای نزدیک دارد، این خانواده را غالباً خانواده کسب و کار تعریف می‌کنند. در این نهاد توارث به همان اندازه اهمیت دارد که تداوم سلسله خانوادگی؛ این اهمیت حتی بیش از رونق یا زندگی و مرگ فرد اعضای خانواده است. ایه اساساً بر پیوندهای خانوادگی استوار شده که مهمترین آنها پیوندهایی است که میان پدر و مادر و نیاکان وجود دارد. فرزند ارشد - و در بیشتر موارد خود او به تنهایی - مسئول ابدی ساختن ایه است. پسران جوانتر، وقتی ازدواج کنند، به نوبت خود، فراخوانده می‌شوند تا ایه دیگری بر پا دارند. از لحاظ نظری شاخه‌های جوانتر نسبت به شاخه بزرگتر وفادار خواهند ماند، اما در عمل به زودی استقلال خود را به دست می‌آورند و پایه‌گذاران این استقلال، نیاگان ایه تازه‌ای می‌شوند. تنها کسانی که پیوستگی خود را با یکدیگر حفظ می‌کنند خانواده‌هایی هستند که یا علائق نیرومند مالی انسان را به هم وابسته کرده یا در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند. معدودند ژاپنی‌هایی که با خانواده عرضی خود آشنایی کامل داشته باشند، و این برای یک ژاپنی نامعمول نیست که قادر نباشد نام دقیق هشت پشت از پدران و مادران خود را ذکر کند.

زوجه در مقام خدمتگزار ایه

در این سازمان نمونه‌وار، نقش زن اساساً فراهم آوردن وارث برای خانواده شوهر است. اگر در آزمون ازدواج ثابت شود که زن سترون است، به خانه پدر و مادرش فرستاده می‌شود، و آن گاه فرزند خواندگی یک کودک مذکر مدنظر قرار می‌گیرد. آموزش زن تماماً برای آن است که او را آماده کند تا خدمتگزار دودمان شوهرش گردد. در آغاز سده هجدهم، اصولی که می‌بایست بر رفتار زن حاکم باشد توسط اخلاق‌گرایی به نام کایبارا اکیکن مشخص شد. این اصول را می‌توان چنین خلاصه کرد:



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

خانواده

در گذشته و حال

خانواده در حال تحول ژاپنی

سرپرست خانواده

از سوی دیگر، سرپرست خانواده مسئولیتهای خاصی دارد، و چنانچه ناتوانی او در اداره مالی خانواده ثابت شود، ممکن است از اختیاراتش محروم شود. «دستورالعملهایی برای سرپرست خانواده» یک تاجر خرده پای کیمونو در کیوتو مقرر می‌داشت که «حتی سرپرست خانواده هم جایز نیست با دیر از خواب برخاستن یا شبهای بی در پی بیرون رفتن و به قمار تن در دادن از کارش غافل بماند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، کارکنان سالمندتر فروشگاه مسئولند این مطلب را به پدر و مادر او گزارش دهند. آن گاه سرمایه نقدی و جنسی خانواده ارزشیابی و تاوان آن به سرپرست خانواده پرداخت خواهد شد، و او متعهد خواهد بود از این مشغله خانوادگی کناره بگیرد.» سرپرست یک خانواده دیگر کیوتویی تصریح کرد که «چنانچه هر یک از جانشینان احتمالی من نامسئولانه دست به خرج کردن بزنند، و این اندیشه که وی وارث قابل اعتمادی برای کسب و کار خانواده نیست، بر دلیلی منطقی مبتنی باشد، خانواده پس از مشورت با پدر و مادر، ۵ درصد از داراییهای خانواده را به او می‌دهد و او را به انشعاب می‌کشاند. وقتی این جدایی انجام شد، شخص قابل اتکالی به جانشینی او برگزیده می‌شود.»

اگرچه جانشینی مقامی موروثی است، سرپرست خانواده یا هر یک از خویشان ناخواسته را می‌توان از دایره خارج کرد. این برکناری از آن جهت اهمیت دارد که به تداوم ایه مربوط می‌شود، و نامعمول نیست که عضو جدیدی به سرپرستی پذیرفته شود.

• وقتی زنی به خانه شوهر می‌رود، باید از دستورات پدر و مادر همسرش پیروی کند. خدمت آنها را بکند و در تمام اوقات موافق طبع آنها رفتار کند. آنان هم باید از محبت زیاده از حد، که او را نُر می‌کند، بپرهیزند، و نباید اجازه دهند که او از خود اراده‌ای داشته باشد.

• زن باید به برادران و خواهران شوهرش احترام بگذارد.
• باید در رفتار شخصی‌اش محتاط و سختگیر باشد، زود از خواب برخیزد، دیر به خواب برود و در سراسر روز توجهش معطوف به امور خانه باشد.

• پیش از سن چهل، جز به ندرت، نباید در انظار ظاهر شود.
• رفتارش باید آمیخته با وقار و معقول باشد، زیرا سلوک بد او خانه خرابی به بار خواهد آورد.

• حتی زوجه‌ای که پیرامون او را خدمتگزاران فرا گرفته‌اند باید به همه چیز علاقه نشان دهد زیرا «قانون خانه با زن است.»
و بدین ترتیب، وظیفه سنگین حفظ آرامش و تضمین حسن انجام کارهای خانه بر دوش زوجه می‌افتد. شخصیتش باید به آن زمینه بازگردد.

برخلاف مقام زن که با اطاعت ملازمه دارد، دامنه قدرتی که سرپرست خانواده از آن برخوردار است بسیار وسیع است. او می‌تواند نام هر عضوی را که ممکن است به ایه آسیب برساند از فهرست خانوادگی (کوزکی) بزداید. وی از پایان سده نوزدهم تنها مالک داراییهای خانواده بوده است. هیچ عضو دیگر خانواده، حتی اگر بالغ هم باشد، نمی‌تواند بی‌اجازه او وارد قراردادی شود. اقتدارات او، که ممکن است فوق‌العاده به نظر برسد، با توافق عمیق خانواده مستحکم است.

زنان یک خانوار ژاپنی غذای خانواده را تهیه می‌کنند. عکس به سال ۱۹۳۰ مربوط است.



شالوده ملیت ژاپنی

ایه، این نظام سنتی، بیشتر برخاسته از نهاد اجتماعی - اقتصادی است و کمتر به جامعه‌ای که اعضای آن به سبب خویشاوندیهای خوئی به هم پیوسته‌اند، بستگی دارد. سرپرست خانواده شباهت بسیاری به رئیس یک شرکت تجاری دارد. وقتی که مسئله جانشینی او مطرح شود، این شرکت الزاماً برای «فرزند خوئی» اولویتی قابل نمی‌شود؛ برتر آن است که برای ریاست این شرکت مدیر متبحری را در نظر بگیرند.

نظام ایه دارای ریشه‌ای بسیار کهن است. قدمت آن به سده یازدهم برمی‌گردد، اما در خلال نیمه دوم دوره شوگونی خاندان توکوگاوا بود که این نظام، بعضاً زیر تأثیر آموزه‌های کنفوسیوس، قوام گرفت و رسماً استقرار یافت. ایه، به عنوان نوعی از سازمان، به زودی از انحصار طبقه سامورای و بازرگانان ثروتمند و صنف کشاورز به درآمد، و الگویی شد برای همه خانواده‌های ژاپنی. و این نظام شالوده ملیت و یکی از عوامل عمده و سازنده هویت ژاپنی شناخته شد.

اگرچه پس از دومین جنگ جهانی ایه را مورد انتقاد قرار دادند که میلیتاریسم را توجیه کرده و مانعی در راه برقراری دموکراسی بوده است، مفهوم ایه در شرکتهای بزرگ باقی ماند، اگرچه از معانی سیاسی و ایدئولوژیکی سابق عاری شد.

پدران غیابی

خانواده ژاپنی از هنگام به اجرا در آمدن قانون اساسی ۱۹۴۶ تا کنون به گونه شایان ملاحظه‌ای توسعه یافته است. اگرچه ایه سنتی هنوز باقی مانده است، ساختارهای جدید، از راه اعطای حقوق برابر به مردان و زنان و تحمیل تقسیم املاک میان فرزندان، به سود گسترش خانواده‌های هسته‌ای (۶۳/۴ درصد در ۱۹۷۰) پیش می‌رود. این گرایش را تحولات صنعتی و شهری پس از جنگ تقویت کرده است. امروزه خانواده‌ها بسیار کوچکترند، و معمولاً از یک یا دو فرزند تشکیل می‌شوند. نسلها جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند و فرزندان، حتی آنانی که ازدواج نکرده‌اند، زود استقلال خود را به دست می‌آورند.

این گرایش از سالهای ۱۹۶۰ به این سو تسریع شده، و بر شمار مشاغل افزوده گشت و در نتیجه تحرک به وجود آمد. در آغاز عمدتاً کارگران جوان بودند که مناطق روستایی را به قصد مراکز صنعتی ترک می‌کردند. آن گاه بسیاری از سران خانواده‌های روستایی در مناطق شهری رو به گسترش به اشتغالات فصلی پرداختند و کشت زمینها را به زنان، فرزندان، یا دیگر اعضای خانواده خود واگذاشتند. مشاغل فصلی به زودی دایمی شدند و این برای سران خانواده‌ها به صورت امری عادی درآمد که بیشتر سال را غایب باشند. چنین گرایش، منحصر به کارگران یدی نیست. پیوسته لازم می‌آید که ستاد مدیریت و اجرایی نیز، به علت توسعه اقتصادی، به محلهای تازه اجرای طرح منتقل شود.

برای یک خانواده دشوار است که به دنبال پدری راه بیفتد که اغلب به این طرف و آن طرف منتقل می‌شود. یافتن خانواده‌ای که بتواند خود را با این شرایط تطبیق دهد سخت مشکل است و نقل و انتقالهای پی در پی نیز برای کودکان و درس و مشق آنان زیان بخش.



گروهی از مردان در یک رستوران ژاپنی با هم غذا می‌خورند. پدران ژاپنی، به دلیل تعهدات حرفه‌ای خود، امروز بیش از گذشته میز خانواده را خالی می‌گذارند.

«بسیاری از سالمندان در خانه فرزندان خود زندگی می‌کنند، حال آن که در گذشته فرزندان بودند که زیر سقف پدر و مادر می‌زیستند.» عکس زیر پسر بچه‌ای ژاپنی را نشان می‌دهد که برای پدر بزرگش پیانو می‌نوازد.





در خانواده‌های کوچک و دو نسلی
امروز پیوند میان مادر و کودک
از همیشه محکمتر است.

پروژه گام‌های انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پدیده معروف به تاتشین هونین (انتقال بدون همراهی با عضوی از خانواده) امروزه در ژاپن معمول است، اما مشکلاتی به وجود می‌آورد. سرپرست خانواده ممکن است در ارتباط با کارخانه‌اش - اشتغال دایمی، عضویت در انجمن کارگران، علاقه به رونق و ماندگاری آن - برای / به جانشین دیگری بیاید، اما سست شدن پیوندهای خانوادگی نصیب او خواهد شد. بسیاری از مردان خانواده‌های خود را تنها در تعطیلات آخر هفته می‌بینند. این محدودیت ممکن است یکی از علل افسردگیها، فشارهای روانی و الکلیسم باشد که مردان بسیار زیادی را عذاب می‌دهد.

زن تنها

زن کمتر از شوهر سختی نمی‌کشد. او پیوسته منزوی می‌شود. شوهرش، حتی در طول هفته‌ای که در خانه خود زندگی می‌کند، صبح زود بی کار می‌رود و دیرگاه غروب باز می‌گردد. بچه‌ها یا سراسر روز در مدرسه‌اند یا بعد از ظهر روانه جوکا (درسهای خصوصی فوق العاده) می‌شوند. زنان شوهردار به جست و جوی شغلی بر می‌آیند یا در فعالیتهای گروههای فرهنگی شرکت می‌کنند تا این تنهایی را پر کنند.

روابط میان مادران، فرزندان نیز در حال تغییر است. میان آنان دلچسپی شدید و خاصی برقرار است. به علت کاهش میزان مولید، کودکان در همسایگی خود همبازی معدودتری می‌یابند و در خانه خود تقریباً هیچ همبازی نمی‌یابند. آنان، محروم از تماس با کودکان همسال خویش، به پیشبند مادر خود می‌آویزند. در خانواده‌های گسترده روزگار گذشته، پیوند روحی با مادر فقط یک رابطه از روابط خانوادگی دیگر بود. از آنجا که کودکان گروه اجتماعی خویش را به وجود می‌آوردند، در ترک خانه مشکل چندانی نداشتند. اما اکنون جدایی از مادر هم برای مادر و هم برای فرزند بسیار دردناک‌تر می‌شود. عمده توجه مادر معطوف به موفقیت فرزندش در مدرسه است. اگر چهل سال پیش مادری فرزندش را تا دبیرستان همراهی می‌کرد، مایه خنده دانش‌آموزان دیگر می‌بود. امروزه، اما، بسیاری از مادران فرزندان خود را نه تنها تا دبیرستان بلکه حتی به دانشگاه همراهی می‌کنند. روزنامه‌ها نیز درباره مادرانی که پسران خود را در روز اول رفتن به سرکار تا محل کار همراهی می‌کنند مطالب طنزآمیز می‌نویسند.

افزایش سن افراد پیامدهای دیگری هم دارد. دیر زمانی متوسط سن مردم در ژاپن ۵۰ سال بود، اما در ۱۹۸۲ این میانگین در مردان به ۷۵ و در زنان به ۸۰/۴ سال افزایش یافت. در ۱۹۳۰ بیشتر پسردها پیش از آن که کوچکترین فرزندشان تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان برسانند می‌مردند، و مادر به ندرت بیش از سرپرست خانواده عمر می‌کرد. اکنون چنین معمول است که وقتی کوچکترین فرزند تحصیلاتش را تمام می‌کند، بیست سال بر متوسط عمر پدر و سی سال بر متوسط عمر مادر افزوده می‌شود. در بسیاری موارد، پدران و مادران نه از لحاظ مالی آماده جدایی از فرزندان خود هستند، نه از جهت روانی. این موقعیتی است بی سابقه، و هیچ الگوی فرهنگی وجود ندارد تا به آنان یاری دهد که از عهده این موقعیت برآیند. شیوه زندگی تازه‌ای باید به وجود آید تا افراد را قادر سازد نقش فعالی در زندگی جامعه بر عهده بگیرند.

مسئولیت‌های اجتماعی خود را بپذیرند و هویت جدیدشان را تعیین کنند. در واقع راه حل حاضر و آماده‌ای برای این مسئله وجود ندارد.

بسیاری از سالمندان در خانه فرزندان خود زندگی می‌کنند. حال آن که در گذشته فرزندان بودند که زیر سقف پدر و مادر می‌زیستند. به موجب قانون کنونی، هر یک از اولاد سهم برابری از ماترک خانوادگی را نصیب می‌برد، و این پرسش مطرح می‌شود که کدام یک از فرزندان جای بزرگتران را خواهند گرفت. خانوار متوسط به ندرت دارای منابع و فضای لازم است. خانواده هسته‌ای هنگامی که ناچار شود مسئولیت مراقبت از سلامت اعضای سالخورده‌اش را بپذیرد، غالباً با بحران رو به رو می‌شود.

پیوند گسسته

این بحران در رسمهایی بازتابیده است که به وعده‌های خوراک مربوط می‌شود. در گذشته، صرف غذا با تشریفات همراه بود که همبستگی گروه خانواده را تحکیم می‌بخشید. اکنون، این تشریفات رو به کاهشند و در بسیاری از خانواده‌ها غذا را دیگر در وعده‌های مشترک صرف نمی‌کنند. نزدیک به ۶۰ درصد از پدران در صبحانه خانوادگی شرکت نمی‌جویند، و ۳۰ درصد آنان به هنگام صرف شام غایب‌اند. بیشتر مادران در خانه به تنهایی ناهار می‌خورند. کاهش در میزان وعده‌های خوراک که به گرد هم صرف می‌شود پیوندهای روحی میان اعضای خانواده امروز زاینی را تضعیف می‌کند.

گسترش رسانه‌های گروهی نیز در خلاف جهت روح خانواده در حرکت است: خانواده این موقعیت را که مکانی باشد برای رد و بدل اخبار از دست می‌دهد. با افزایش تعداد کانالها، پدیدار شدن تلویزیونهای مدار بسته، و تنوع برنامه‌ها، تماشای تلویزیون فعالیتی فردی می‌شود، زیرا هر عضو خانواده منابع اطلاعاتی خود را دارد و کمتر و کمتر میل دارد با بقیه خانواده در آنها سهیم شود.

با این همه، این مسئله ممکن است فقط مرحله‌ای گذرا باشد، و ممکن است شیوه‌های رفتاری تازه‌ای پدیدار شوند. برای نمونه، در تعداد «خانه‌های دو نسلی» افزایش مشاهده می‌شود، خانه‌هایی که در آنها پدر و مادر سالخورده و فرزندانشان می‌توانند در عین زیستن با هم، استقلال خود را نیز حفظ کنند. این احتمال هم وجود دارد که آغاز رونق ضیافت‌های سنتی، که اعضای نسلهای مختلف را گرد هم می‌آورد، و در آن هر کس نقش خود را ایفا می‌کند، دلیلی بر تحکیم پیوندهای خانوادگی باشد. شاید الگوی فرهنگی جدیدی در حال پدید آمدن است.

کوریموتو کازوتو، کارمند
یونسکو و متخصص در اداره
امور تربیتی و مدیریت است.

